

تأثیر درآمدهای نفتی بر راهبرد دفاعی ایران در واپسین سالهای حاکمیت پهلوی

ژامک ماشاءالهی^۱

چکیده

دوران حاکمیت خاندان پهلوی از دیدگاههای گوناگون با نظام و نظامی‌گری آمیخته است. از ابتدای استیلای این سلسله بر این سرزمین همواره رویکردهای نظامی مآبانه و ارتشی در امور مختلف هم دخیل بوده‌اند و هم در حاکمیت از رجحان برخوردار بودند. موسس سلسله پهلوی به نوعی با کودتای نظامی طومار قاجاریه را در هم پیچید و باحمله نظامی دیگری که می‌توان از آن به عنوان کودتای یاد کرد سلطنت را به پسرش منتقل نمود. از این جهت می‌توان اهمیت ارتش در دوران پهلوی را بسیار مهم و تاثیرگذار ارزیابی کرد. به سادگی می‌توان چنین بیان نمود که توسعه، تجهیز و روزآمد کردن ادوات و نیروهای نظامی همواره در اندیشه‌های محمدرضا پهلوی حضور پررنگی داشته است.

اما به هیچ روی نمی‌توان نقش محوری افزایش درآمدهای نفتی را نادیده انگاشت و انکار نمود. ارتش ایران هر روز پیشرفته‌تر جلوه می‌کرد و همه روزه بر فهرست بلند بالای تجهیزات آن افزوده می‌گردید. همه اینها از یک سو و روابط رو به گسترش ایران و ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر می‌توانست با آموزش نیروی انسانی ایران را به ماشین جنگی شکست ناپذیر منطقه بدل سازد. به هر حال پرسش اساسی را می‌توان اینگونه طرح نمود که اساساً آیا افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی در واپسین سالهای حاکمیت پهلوی در دهه ۱۳۵۰ در پیشرفت تسلیحاتی و تجهیزات ارتش ایران نقشی داشته است؟ چگونه می‌توان به عمق این تاثیرات پی برد؟

آری، ساختار فردی حاکمیت ایران در کنار افزایش درآمدهای ناشی از فروش نفت به یکباره ارتش ایران را به پیشرفته‌ترین ماشین جنگی منطقه تبدیل نمود که در کنار تسلیحات پیشرفته نظامی، افسرانی آموزش دیده و مجرب نیز در اختیار داشت. ساختار تصمیم‌سازی دربار که زیر نظر مستقیم و مداوم شاه کنترل می‌گردید اکنون با در اختیار داشتن منابع سرشار مالی سعی در عملی ساختن نقشه‌های سالهای نه چندان دور خود داشت که تا حدودی نیز محقق گردید.

واژگان کلیدی: نفت، ارتش، تسلیحات، دولت پهلوی، درآمدهای نفتی.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد تهران مرکز

مقدمه:

از دیرباز تا کنون دفاع از جان و مال و سرزمین و دستیابی به منابع وسیع تر و جدیدتر یکی از آرمانهای اساسی بشر بوده و هست. نیروی نظامی قدرتمند، کارآمد و آماده آرمان بسیاری از پادشاهان و اربابان قدرت و ثروت بوده و همواره این گروه کوشیده اند تا با حمایت مالی گسترده در کنار تسلیح و تجهیز، نیروهای زبده ای را به خدمت گیرند، تا هم بتوانند میزان نفوذ شان را افزایش دهند هم بر قلمرو فرمانروایی و قدرتشان بیافزایند علاوه بر این بتوانند از هر آنچه بدست آورده اند حراست نمایند.

گردآوری سپاهیان منسجم می توانسته و می تواند در کنار تسلیح و تجهیز مناسب هم مقدمات تهاجم سهمگین را فراهم آورد و هم سازوکار دفاعی منظمی در اختیار گذارد از این رو تشکیل ارتش و قوای نظامی آماده در طول تاریخ از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

با استناد به مدارک و مستندات موجود از سالیان بسیار دور حتی دوران باستان ایران صاحب سپاهیان منظم و پرشماری بوده است که بر دفاع و تهاجم مسلط و توانا بوده اند از سوی دیگر می توان ایران را در زمان هخامنشیان بنیانگذار ارتش منظم و مدرن آن روزگاران دانست.

اما اینک سالها از دوران باستان و هخامنشی گذشته است. رضاخان سردار سپه پس از نخست وزیری به سرعت می رود تا با اتکاء به خوی نظامی خویش و همچنین نیروهای قزاق تحت امرش مدارج پیشرفت را پشت سر گذارده و پایانی تلخ بر سلطه سلسله قاجار رقم بزند.

از همان روزهای نخستین تاسیس سلسله پهلوی، دگردیسی لشگریان ایرانی آغاز گردید و پادشاهی که خود با تکیه بر قوای نظامی به قدرتی باورنکردنی دست یافته بود می کوشید تا با تعمیم معادلات برنده با تسلیح و تجهیز هرچه بیشتر سپاهیان ایران حاکمیتش را تثبیت نماید و این افراط در آماده سازی و تأمین قوای نظامی تا آنجا پیش میرود که رضاشاه تصمیم میگیرد تا ولیعهد و جانشین خویش را نیز از همان ابتدا

نظامی بار بیاورد. پس از اشغال ایران توسط قوای بیگانه و در پی آن عزل و تبعید رضاشاه ولیعهد با نظر قوای اشغالگر بر تخت سلطنت می نشینند.

جانشینی که سلطنتش همواره متأثر از اندیشه های پدر و مأموس با خوی نظامی گری است. تأثیر این افکار در حد ایده پردازی برای تشکیل و تجهیز سپاهیان مقتدر بر اساس نمونه های پیشرفته و شناخته شده آن دوران باقی مانده بود تا چرخ روزگار نقطه عطفی بر تاریخ این سرزمین نهاد. آری می توان افزایش سطح درآمدهای حاصل از فروش نفت را محور تغییرات بسیار در عرصه های گوناگون دانست. یکی از این عرصه ها تسلیح ارتش به ادوات سبک و سنگین پیشرفته فراوان، خرید هواپیماهای فوق پیشرفته ناوچه های مدرن و تسلیحات سنگین و نیمه سنگین آبی خاکی و بسیار از موارد دیگر دانست. روابط رو به گسترش ایران با ایالات متحده آمریکا این امکان را ایجاد می نمود تا با آموزش نیروی های زبده و مجرب ارتش ایران را به ماشین جنگی شکست ناپذیر منطفه تبدیل نماید.

از این رو این مقاله می کوشد تا با اتکا به مدارک و مستندات موجود و بررسی شواهد و مدارک به موضوع ارتقای جهشگونه سطح توانمندی ارتش ایران همزمان با افزایش سطح درآمدهای ناشی از فروش نفت بپردازد از این رو کوشش شده تا با گردآوری بخشی از نمودارها و مستندات به گزارشی بی طرفانه و جامع دست یابد.

چرایی اهمیت تجهیز ارتش در دوران حاکمیت پهلوی

علاقه «محمد رضا شاه» به داشتن ارتش قوی و مجهز شاید ریشه تاریخی داشته باشد، همانند تمام حکومتگران قدرت طلب، چرا که وی نیز مانند پدر یک نظامی بود و درس نظام خوانده بود، هر چند که با اندک تأملی در تاریخ این مُلک شاهدیم قبل از ایشان نیز بزرگانی مانند: «عباس میرزا» ولیعهد «فتحعلیشاه» با آماده سازی ارتش و قشون مجهز، نام خود را به عنوان اولین اصلاحگر تجدد گرا در تاریخ ثبت کرد. بعد از او نیز بزرگ مرد ایران «امیر نظام» میرزا تقی خان امیر کبیر داشتن ارتش دائمی را از جمله نهادهای مهم در اداره امور حاکمیت می دانست. دولت رضا شاه نیز با ایجاد ساختار

متشکل برای حکومت و ارتش نوین^۱ بود که توانست زیرساخت های جدید دولت مدرن را بنا کند. رضا شاه با انحصار درآمد ها، مالیات های غیر مستقیم، واگذاری زمین های دولتی به قیمت ناچیز، بالا بردن بودجه نظامی و وابسته کردن آن ها به خود بنای ارتش را بنا گذارد.

نیروهای نظامی ایران و واحدهای امنیتی مربوط، با هر معیاری که سنجیده شوند تشکیلات و نهادهایی استثنائی هستند. در اواسط دهه ۱۹۷۰ م. ۱۳۵۰ هـ.ش این دستگاه نظامی بعنوان بزرگترین خریدار اسلحه و مهمات امریکائی در جهان، مدتی توجه همگان را به خود جلب کرد و از طریق این خرید های عظیم بود که ایران در فاصله زمانی کمی به یکی از قدرتهای بزرگ آسیایی غربی تبدیل شد. (هالیدی، ۱۳۵۸: ۷۳) از جهات سیاسی داشتن یک ارتش بزرگ، بوروکراتیک و بدون ابتکار لزوماً بی مزیت نیست. در حقیقت محمد رضا شاه این را مزیتی می دانست و چنان ساختی را در ارتش تقویت می کرد، و این جزئی از نقش دوگانه ارتش در ایران بود. از آنجا که ارتش می باید ضامن حفظ شاه بر تخت هم بوده باشد، یک ارتش کوچک ولی بهم پیوسته برای شاه و رژیم خطری جدی محسوب می شد. (گراهام، ۱۳۵۸: ۲۲۹ و ۲۳۰)

شاه هر چند ساختار اجتماعی و اقتصادی را نوسازی کرد، برای توسعه نظام سیاسی اجازه شکل گیری گروههای فشار، ایجاد فضای باز سیاسی برای نیروهای مختلف اجتماعی، ایجاد پیوند میان رژیم و طبقات جدید، حفظ حلقه های ارتباطی موجود میان رژیم و طبقات قدیمی و گسترش پایگاه اجتماعی سلطنت که عمدتاً به علت کودتای نظامی سال ۱۳۳۲ همچنان پا برجا مانده بود، تلاش چندانی نکرد. وی به جای نوسازی نظام سیاسی، قدرتش را همانند پدرش بر روی سه ستون نیروهای مسلح، شبکه حمایتی دربار و دیوان سالاری گسترده دولتی قرار داد. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۳۵) وی همچنین نظامیان را پشتیبان خود می دانست و هدف اصلی وی تجهیز این ارتش برای دفاع از کشور و خاندان سلطنتی بود. دریغاً... ارتشی که شاه با تمام توان خود سعی در

۱. در سال ۱۳۰۱ ارتش منظم و جدید ایران با حضور نیروهای نظامی، نیروهای قزاق، ژاندارمری، گارد محافظ کاخ تشکیل شد.

تجهیز آن کرد هیچگاه به یاری وی بر نیامد. محمد رضا، شاه ایران همواره بر آن بود تا با بهره وری از اهرمهای گوناگون کاستیهای شخصیتی خود را جبران کند و حضور خود را به عنوان رهبری مشروع و مقتدر ثابت کند. یکی از راههای رسیدن به این اقتدار قطعاً تبدیل ایران به انباری از مهمات بود تا برای وی آرامشی نه چندان پایدار را به ارمغان آورد.

اما تأمین هزینه خرید این مهمات موضوع اصلی تیر بعدی می باشد که در تاریخ معاصر ایران نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است....

نقش محوری درآمدهای نفتی در تجهیز تسلیحات نظامی

هر چند که در کشورهای اروپایی ارتش به عنوان یک نهاد اجتماعی بر اساس اهدافی مستقل از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور بنا شده، در ایران بنیان نهاد ارتش همانطور که می دانیم وابسته به اقتصاد تک محصولی بود، که یکی از اهداف اساسی تشکیل، تثبیت و تحکیم آن افزایش میزان احاطه دولت مرکزی بر کنش های داخلی می توانست باشد.^۱ از اینرو حاکمیت می کوشید تا با استفاده از درآمدهای نفتی ارتش را هر چه بیشتر تقویت و تجهیز نماید. بدان سبب پول نفت پایه گذار هزینه های ارتش در ایران شد. نمودار زیر نقش محوری نفت در مشروعیت نظام، قدرت و هزینه های ارتش را نمایش میدهد. (حشمت زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۹)



محققان معاصر معتقدند، به دو دلیل عمده درآمدهای حاصل از ثروت های نفتی می تواند به بودجه های عظیم نظامی و امنیتی بیانجامد:

۱. در زمان رضا شاه بودجه ارتش حدود ثلث بودجه کشور بود. در سال ۱۳۰۷ از ۱۱۰ میلیون ریال به ۱۷۹ میلیون ریال در ۱۳۱۰ و ۵۹۲ میلیون ریال ر سال ۱۳۲۰ رسید. (نقل از ج. باری بر)

۱. ممکن است صرفاً منافع فردی-گروهی باشد. با توجه به فرصت بهتر برای مسلح شدن در مقابل فشار مردمی، یک دولت قدرتمند بدون تأخیر چنین سیاستی را اتخاذ خواهد کرد مانند ارتش دوره پهلوی.

۲. دلیل بعد بیشتر دلیلی قومیتی است، به بیان بهتر ثروت حاصل از منابع طبیعی، درگیریهایی قومی و منطقه ای را افزایش می دهد؛ بنابر این یک ارتش قوی بزرگ انعکاس دهنده نگرانی ها می باشد. (روحانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

درست است که در این سالها بخشی از درآمدهای نفتی صرف صنعتی کردن کشور و گسترش زیر ساختهای اجتماعی و امور رفاهی کشور شد، ولی نباید از مبالغ هنگفتی که صرف ارتش می شد چشم پوشی کرد. چرا که بخش عظیمی از درآمدهای نفتی در راه تقویت ماشین جنگ و دیوانسالاری نظامی رژیم و یا صرف امور غیر تولیدی شد. (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۴۷) هر چند بودند برخی که لزوم توسعه قدرت نظامی ایران در خلیج فارس را اصل قدرتمند بودن ایران می دانسته و قوی ترین و موثرترین عامل برای حفظ صلح جهانی و دفاع از حقوق حقه ملت ها می خواندند. چنانچه «جواد شیخ الاسلامی» در مقاله ای نوشت:

"پیشرفت همه جانبه ایران بسته به اجرای برنامه عظیم صنعتی و رونق اقتصاد کشور، رونق اقتصاد کشور بسته به عایدات نفت، تامین منظم این عایدات بسته به آرامش خلیج فارس و بسته به ایجاد یک نیروی مقتدر زمینی و دریایی و هوایی است." (خواندنیها، س ۳۳، ش ۷۷، ۱۳۵۲/۳/۲۶، ص ۱۱)

اما آهنگ افزایش بودجه و هزینه های نظامی از سال ۱۳۵۳ فزونی یافت و ظرف مدت چهار سال حدود ۶ برابر شد. هزینه های سنگین و سرسام آور نظامی موجب شده بود که ایران در میان کشورهای جهان سوم دارای بیشترین بودجه سرانه نظامی باشد. این در حالی بود که شاه همچنان نظامیان را پشتیبان اصلی خود می دانست. اغلب مشاورین نزدیک شاه از میان سران ارتش انتخاب می شدند.

حتی امیر اسداله علم نیز در یادداشت های خود این نکته را ذکر کرده: که شاه از آغاز سلطنت یک فکر ثابت داشت و آن نیرومند ساختن و گسترش هر چه بیشتر ارتش بود. راهش هم درآمد نفت بود. (یادداشت های علم، ج ۱، ۱۳۹۱: ۷۹) وی می افزاید؛ پس از

آنکه وضع کشور سرو سامان یافت هدف شاه دوچیز بود: یکی آنکه درآمد نفت را تا آن جا که شدنی است افزایش دهد و دیگر آنکه درآمد مزبور را پیش از هر چیز صرف خرید اسلحه و گسترش ارتش کند. (همان، ۸۰)

اینچنین بود که شاه ایران با استفاده از درآمدهای رو به فزونی نفت توانست در سالهای دهه پنجاه شمار نفرات نظامی را به ترتیب از ۲۰۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش داد. نیروی زمینی ارتش از ۱۸۰,۰۰۰ به ۲۰۰,۰۰۰ نفر، ژاندارمری از ۲۵,۰۰۰ به ۶۰,۰۰۰ نفر، نیروی هوایی از ۷,۵۰۰ به ۱۰۰,۰۰۰ نفر و نیروی دریایی از ۲۰۰۰ به ۲۵,۰۰۰، واحد کماندوهای ویژه از ۲۰۰۰ به ۱۷,۰۰۰ نفر و گارد شاهنشاهی از ۲۰۰۰ به ۸۰۰۰ افزایش یافت. همچنین بودجه سالانه ارتش را از ۲۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ و پس از چهار برابر شدن قیمت نفت به ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ رسانید. حاکمیت علاوه بر نیروی ارتش زرادخانه عظیمی ایجاد کرد که افزون بر دیگر سلاحها، ۲۰ هواپیمای تامکت اف^۱ ۱۴ دارای موشک های دور برد فونیکس^۲، ۱۹۰ هواپیمای فانتوم اف^۴، ۱۶۶ جنگنده اف ۵، ۱۰ هواپیمای حمل و نقل بوئینگ ۷۰۷، ۸۰۰ هلیکوپتر، ۲۸ هاورکرافت^۳، ۷۶۰ تانک چیفتن^۴، ۲۵۰ تانک اسکورپیون^۵، ۴۰۰ تانک ام ۴۷، ۴۶۰ تانک ام ۶۰، و یک ناوشکن اسپرونس در اختیار داشت. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۳۵) شاه در کنار ارتش سازمانهای امنیتی^۶ را نیز گسترش داده بود. ضمناً وی ۲۰ میلیارد دلار برای طرح ضربتی احداث ۱۲ نیروگاه هسته ای در عرض یک دهه بعدی کنار گذاشته بود. همچنین وی میلیاردها دلار برای سفارش تسلیحات دیگر کنار گذاشته که بین سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ موعدها تحویل آنها بود. (همان، ۵۳۶) در اینجا

1. F14 Tomcat
2. Phoenix missiles
3. Hovercrafts
4. Chieftain tanks
5. Scorpion tank

بجاست به نکته قابل تأملی اشاره شود که خرید ساز و برگ نظامی به گفته ارتشبد جم ، فقط به تصمیم خود شاه بود . (تبرائیان ، ۱۳۷۷ : ۶۰)

خرید اسلحه علاوه بر اینکه خواست دیرین شاه بود، منظور اصلی کسینجر و نیکسون برای بالا بردن قیمت نفت محسوب می شد. تنها با سرازیر شدن دلار های نفتی به سوی کمپانی های سازنده اسلحه، جلوگیری از ورشکستگی این شرکتها که تا کنون برای جنگ ویتنام تجهیزات می ساختند، ممکن بود.(بهنود، ۱۳۶۹ : ۵۸۰)

با نگاهی بر مالکیت سازو برگ نظامی در ایران ، بجاست که به بودجه و سهم ارتش و مبالغ اختصاص یافته به امور دفاعی نیز توجه شود: در ابتدا باید گفت در میان نیروهای مسلح سه گانه؛ یعنی وزارت جنگ، ژاندارمری کل و شهرداری کل کشور، بیشترین اعتبارات بودجه در اختیار وزارت جنگ گذاشته شده بود.^۱(سازمان برنامه، لایحه اصلاحی سال ۱۳۵۲، بودجه سال ۱۳۵۳) جدول زیر بودجه علنی نیروهای مسلح و درصد آن به بودجه کل کشور را نشان می دهد:

بودجه علنی نیروهای مسلح و درصد آن به کل بودجه (مبلغ میلیون ریال)			
سال	بودجه نیروهای مسلح	بودجه کل	درصد بودجه نظامی به بودجه کل کشور
۱۳۴۸	۴۷/۶۳۲	۲۱۸/۲۸۶	۲۲ درصد
۱۳۵۱	۹۱/۰۰۰	۴۳۰/۰۰۰	۲۱ درصد
۱۳۵۲	۱۴۲/۰۰۰	۵۹۸/۰۰۰	۲۴ درصد
۱۳۵۵	۵۶۶/۰۰۰	۱/۹۶۰/۰۰۰	۲۹ درصد
۱۳۵۷	۷۰۰/۰۰۰	۲/۹۳۵/۰۰۰	۲۴ درصد

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه، لایحه بودجه سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷

می بینیم که چه مقدار بودجه نیروهای مسلح در حال افزایش است. درست در فواصل سالهایی که استخراج و درآمد نفت نیز رو به فزونی بوده است. در برنامه پنجم بودجه

۱. از مبلغ ۱۰/۶۸ میلیارد ریال بودجه نیروهای مسلح در ۱۳۵۱ ۷ میلیارد ریال (۶/۶۱) به شهر بانی کل، ۸ میلیارد (۷/۵) به ژاندارمری و حدود ۹۱ میلیارد (۰/۸۵) به وزارت جنگ اختصاص یافته بود.

نظامی به رقم نجومی ۱۹۶۸ میلیارد ریال رسید.^۱ می توان دید که اقدامات نظام در ارتش با تکیه بر درآمدهای هنگفت نفتی صورت گرفت. به طور کلی طبق پیش بینی سازمان برنامه کل دریافت‌های ارزی دولت در طول برنامه عمرانی پنجم به ۱۲۲/۸ میلیارد دلار بالغ می گردید که ۲۹/۱ میلیارد آن (۲۴ درصد درآمد نفت) صرف امور نظامی شد.

درصد به کل	میزان هزینه	نوع هزینه
۴۱	۵۰/۲	هزینه جاری که از آن هزینه های نظامی پرداخت می شد
۴۳/۳	۴۲/۲	سرمایه گذاری ثابت
۱۵/۸	۱۹/۴	بازپرداخت قروض
۸/۹	۱۱	سرمایه گذاری در خارج
جمع: ۱۲۲/۸ میلیارد دلار		

جدول فوق از آمار و ارقام کتاب «ابولحسن بنی صدر» اخذ شده ولی متأسفانه وی به ماخذ اصلی این اطلاعات اشاره ای نداشته است. ولیکن در جمع با ارقام سازمان برنامه هماهنگ می باشد. (بنی صدر ، ۱۳۵۶ : ۸۰) باید افزود از زمانی که برنامه

عمرانی ۵ ساله آبادانی به راه افتاده بود فرض بر این بود که درآمد نفت به مصرف عمران کشور برسد ولی در عمل به دنبال هر پیروزی نفتی پیش از آن که دولت فرصتی برای اندیشیدن به طرح های نیمه کاره یا انجام نیافته پیدا کند شاه فهرست درازی از نیاز های ارتش عرضه می داشت و دیگر کسی را یارای گفت و گو نبود. تنها در بودجه سال ۱۳۵۲ ناگهان هزینه سرمایه گذاری ارتش ۳۰۰ درصد و هزینه جاری ۲۰۰ درصد افزایش یافت. (یادداشت های علم، ج ۱، ۱۳۹۱: ۸۰ و ۸۱)

در ادامه در مقایسه ایران با کشوری مانند ترکیه باید گفت؛ درحالیکه شمار نیروهای مسلح ایران ۳۰٪ کمتر از نیروهای مسلح ترکیه بود اما هزینه سرانه نظامی اش بیش از چهار برابر آن کشور بود و در سال ۱۳۵۵ کل هزینه ایران برابر با کشور چین با یک

۱. باید توجه داشت در در بودجه نظامی از درج هزینه های مربوط به بناها و تاسیسات نظامی که مبالغ هنگفتی را شامل می شد، خودداری می شد. مقدار این هزینه های که در بودجه نظامی نامی از آنها برده نشده، تنها در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۴ بالغ بر ۳۲۰۰ میلیون ریال بوده. (گراهام، ۱۳۵۸، ۲۲۲)

میلیارد جمعیت بود در حالیکه شمار نیروهای مسلح آن $\frac{1}{10}$ نیروهای مسلح چین بیشتر نبود.^۱ (گراهام، ۱۳۵۸: ۲۳۱) از اینرو ایران با هزینه های سرسام آور نظامی اش موجب شده بود در منطقه بیشترین بودجه سرانه نظامی را دارا باشد، روشن است که این مسئله می توانست به تنهایی موجبات توجه جهان را به داشتن این همه تجهیزات در ایران جلب کند. شاه در مصاحبه با خبرنگار «بی بی سی» در پاسخ سوالی که از او پرسیدند: شما قسمتی از پولی را که از طریق فروش نفت عاید کشورتان شده است را صرف تقویت نیروهای مسلح خود کرده اید! آیا هیچیک از کشورهای همسایه ایران دلیلی برای نگران شدن از تقویت قوای نظامی ایران دارند؟

"شاه پاسخ داد: هرکس قادر است دلایلی را برای آنچه مورد توجه اوست اقامه کند. اما این استدلال درست نخواهد بود زیرا کشور ما وسیع است. ما ثروتمند هستیم و زمین کافی در اختیار داریم و هرگز سیاست ما سیاست تجاوز و توسعه طلبی نبوده است فکر می کنم سیاست ما بعکس ثابت خواهد کرد که ما خواهان ثبات و حفظ وضع موجود هستیم". (خواندنیها، س ۳۵، ش ۲۶، ۵۳/۹/۲۳، ص ۲)

اما نکته ای که نباید فراموش شود توجه به هزینه های این ارتش مجهز بود. پس ما با دو نکته اساسی مواجه هستیم: اول هزینه خرید تسلیحات، دوم هزینه های ارتش و نگهداری این مهمات!

طبیعی می نمود که این ارتش برای خود هزینه هایی از جمله حقوق و دستمزد را به دنبال داشت که قطعاً پرداخت این مبالغ نیز از مکانی نبود جز بودجه مملکت... طبیعی است، مملکتی که منبع درآمدی مالیات ندارد، صادراتش هم ضعیف است، پس راهی نمانده جز درآمدهای نفت... از این پرداختهای دست و دلبازانه بود که نظامیان از موقعیت زندگی بهتری برخوردار بودند. پس ارتش بار اقتصادی بالایی برای دولت به همراه داشت. «فرد هالیدی» به زیبایی این بار اقتصادی را به پنج دسته تقسیم کمی کند:

۱ نقل از: «انستیتو بین المللی مطالعات استراتژیک» لندن ۱۹۷۶.

۱. از سالهای پیش (دهه ۱۹۲۰) نیروهای نظامی بخش عمده ای از درآمد های دولت یا بهتر بگوییم پولهای کمپانیهای نفت را به خود اختصاص می دادند.
 ۲. نیروهای نظامی همواره به یک منبع استخدامی مهم برای اشتغال تبدیل شدند^۱ که خود هزینه بر بود.
 ۳. نظامیان نقش عمده ای در تولید داشتند به لحاظ (اونیفرم، مهمات، غذا و ...)
 ۴. نظامیان احتیاج به واحدهای خدماتی خود داشتند مانند: (بانک، بیمارستان، صندوق بازنشستگی و...)
 ۵. نیروهای نظامی نقش مهمی در توسعه جاری بازی می کردند.
- از این رو به مبالغی که از محل بودجه یا بهتر بگوییم محل درآمدهای نفتی صرف خرید تسلیحات نظامی می شد، کم کم هزینه حقوق ارتشیان، نگهداری آنان و خرج های دیگر نیز اضافه شد. مشکل دیگر که بر سر راه تجهیز ارتش در ایران وجود داشت، سطح نازل معلومات در استفاده از این تسلیحات و آموزش نیروی نظامی بود. بهترین راه حل برای این مشکل استفاده از کارشناسان و متخصصان خارجی بود، که این نیز به سهم خود مستلزم خرج کردن هزینه های هنگفت بود. از طرفی نگرانی از این همه هوپایما، اسلحه، تانک، هلیکوپتر و ارتش نیازمند وجود پادگان و انبار بود. پس هزینه هایی هم باید صرف ساختن این مکان ها می شد.
- در این رابطه توجه به گزارشی مبنی بر ورود سپاهی از دلان و نمایندگان فروش اسلحه از امریکا و گردان هایی از انگلیسی ها و فرانسوی ها خالی از لطف نیست، که بدنبال توافق سال ۱۹۷۲ بین شاه و نیکسون و بخصوص بعد از افزایش قیمت نفت عازم ایران شدند. در پی این جریان صرفنظر از عواقب سیاسی آن مشکلاتی نیز بروز کرد از جمله:

۱. جریان اسلحه و مهمات دیگر حساب و کتابی نداشت
۲. ایران واقعاً دچار کمبود پرسنل ایرانی و اجرا شرایط برای استفاده از این سلاحها شد

۱ با استخدام جوانان دیپلمه در ارتش آنها به تأمین آتیه و زندگی مرفهی مطمئن می شدند. در این زمان دانشکده های افسری با الگوی وست پوینت بر نامه ریزی شده بود

۳. دستگاه نظامی ایران کارآئی دقیقی نداشت و تجربیات جدی جنگی نداشت
۴. سرازیر شدن سیل اسلحه به ایران باعث وارد شدن هرچه بیشتر پرسنل امریکایی به ایران شد
۵. ایران از لحاظ ادامه دریافت اسلحه و مهمات سخت به امریکا وابسته شد رونق خرید اسلحه و مهمات با فساد قابل ملاحظه ای روبرو شد. (هالیدی، ۱۳۵۸، ۱۰۶ تا ۱۰۸)
- جدول زیر می تواند هزینه های نظامی بین سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ را برای ما روشن سازد:

هزینه های نظامی ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ (مبلغ میلیون ریال)				
۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	
۴/۸۲۹	۴/۸۳۴	۵/۱۹۲	۳/۵۰۰	خرید های جدید تولید و نوسازی
۱/۸۵۸	۱/۸۷۷	۱/۰۹۵	۸/۱۲	پرسنل
۵۰۴	۷۶۴	۹۱۳	۴۹۳	نگهداری، تعمیرات و عملیات
۶۸۸	۹۵۸	۹۳۶	۶۵۳	عملیات مخصوص
۹	۶۴	۶۴	۴۳	متفرقه
۷/۸۸۰	۸/۱۹۷	۷/۶۰۰	۵/۵۰۱	جمع
۲۴/۴	۲۷/۶	۲۹/۲	۲۴/۲	درصد از کل بودجه کشور
-۲/۸	+۷/۷	+۳۸	+۱۸۹	درصد افزایش
منبع: سوداگر، ۱۳۶۸ : ۱۲۲/گراهام، ۱۳۵۸ : ۲۲۱				

در اینجاست که این فکر به ذهن میرسد از این همه درآمد نفتی که صرف صنعتی کردن، تجهیز ارتش و غیره شد، چه سهمی به مردم نا آگاه ایران تعلق گرفت... مردمی که در ناآگاهی خود از تمام این درآمدهای نفت تا به حال محروم مانده بودند.

اینچنین بود که میزان هزینه های نظامی و امنیتی روز به روز رو به افزایش گذارد. این هزینه ها از ۲۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱ با ۶/۶٪ برابر افزایش به ۱/۴ میلیارد دلار تا سال ۱۳۵۰ افزایش یافت. همپا با بالا رفتن قیمت نفت این روند شتاب بیشتری پیدا

کرد و از ۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ با ۳/۸ برابر افزایش نسبت به سال ۱۳۵۰ به مبلغ ۷/۸ میلیارد دلار در ۱۳۵۴ رسید. (F.Fesharaki, 1976.p307)

با صرف این هزینه های سرسام آور تشکیلات صنایع نظامی ایران توانست پس از صنعت نفت و پتروشیمی از نظر فنی پیچیده ترین و پیشرفته ترین تشکیلات کشور به شمار رود. این صنایع شامل تولید سلاح های مختلف، اونیفورم های نظامی و مونتاز وسایل موتوری می شد. تا سال ۱۳۵۰ تولیدات صنایع نظامی محدود به تولید مسلسل و سلاح هاس سبک بود. (علی بابائی، ۱۳۸۲: ۳۶۹)

در واقع علت گرایش شاه به این همه تسلیحات را شاید بتوان در دو چیز جستجو کرد: یکی دستور نیکسون در بهار ۱۳۵۱ به وزارت دفاع که درخواستهای ایران برای خرید اسلحه متعارض را از نیاز به تصویب قبلی معاف کرد، و دیگری قطعاً افزایش بی سابقه درآمدهای نفت بود

حال کمی با خود بیندیشیم! اگر به جای خرج این هزینه های گزاف بابت خرید تانک و گلوله و تفنگ و... به سیستم اقتصادی کشور رسیدگی می شد و یا حداقل در خود ایران این صنعت را گسترش می دادند و ساخت تجهیزات نظامی را در ایران تقویت می کردند، هم کوششی برای گسترش صنعت و اقتصاد در داخل به عمل آمده بود و هم اگر در داخل با تحریمی مواجه می شدیم توان تولیدی را داشتیم. از سوی دیگر تولید این تجهیزات می توانست باعث خود کفایی و به کار گیری نیروی عظیم بیکار انسانی شود و چرخه صنایع به گردش درآید. بهره وری در این زمینه می توانست سایر صنایع را نیز در این راستا شکوفا کند.

روابط ایران و امریکا در راستای تحقق اهداف تسلیحاتی

به هر روی سالهای دهه پنجاه شاهد تلاشهای دائمی و همه جانبه ایران در بدست آوردن جنگ افزار های هر چه بیشتر و پیشرفته تر از امریکا هستیم. در فاصله سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ میزان جنگ افزارهای مزبور به بیش از ۴۳۰ میلیون دلار بالغ گشت، اما همین که «جان کندی» زمام امور را بدست گرفت دولت امریکا رغبت کمتری به اعطای کمک نظامی زیاد و همچنین کمک مالی بلاعوض به دولت ایران نشان داد. زیرا دستگاه

حاکمه جدید امریکا عقیده داشت کشورهای نظیر ایران به اصلاحات اجتماعی بیشتر احتیاج دارند تا تجهیزات نظامی پیشرفته. در اعلامیه مشترکی که پس از دیدار شاه و کندی در فروردین ۱۳۴۱ در واشنگتن منتشر گردید، جز تأیید تعهدات سابق امریکا در برابر ایران از جمله موافقتنامه دفاعی دو جانبه اسفند ۱۳۳۷، اشاره ای به مسائل نظامی نشد و به جای آن نوشته شده بود: سران دو کشور درباره لزوم تسریع پیشرفت اقتصادی ایران و لزوم کمک های خارجی به این کشور برای ادامه برنامه های پیشرفت اقتصادی آن به توافق رسیده اند. «تئودور سورنس»^۱ در کتابی تحت عنوان «کندی» می نویسد:^۲

"شاه اصرار داشت به ارتش پر هزینه اش که برای حوادث مرزی و امنیت داخلی بسیار لازم ولی برای جنگ کاملاً بی فایده بود کمک کنیم. ارتش شاه طبق ضرب المثل معروف به مردی شباهت داشت که آنقدر چاق بود که دیگر نمی توانست کارهای کوچک بکند و آن قدر لاغر بود که کارهای سنگین از او بر نمی آمد". (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶: ۳۴۱ و ۳۴۲)

چندی نگذشت که ورود این تجهیزات رو به فزونی رفت، با سرازیر شدن پول نفت به اقتصاد مملکت راه چاره ای نبود جز خرج کردن این ثروت هنگفت در راه تکمیل وسائل نظامی. بطوریکه می توان به جرأت گفت خرید های نظامی در سالهای مسئولیت ارتشبد طوفانیان در دورانی که وی مسئولیت ارتش را بر عهده داشت به اوج خود رسید. (تبرانیان، ۱۳۷۷: ۵۶) ارتشبد طوفانیان بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۶۴ م. ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ هـ. ش در تمام فروشهای اسلحه امریکا به ایران عمیقاً درگیر بود. وی به اقتضای موقعیت خود نه تنها با مقامات رهبری در ارتش امریکا تماس دائم داشت بلکه با بالاترین مقامات اجرائی معاملات دفاعی و اسلحه نظیر تام جونز، نور ثروپ و ج، ویلیام میلر از تکسترون در تماس بود.^۳ (همان)

۱. یکی از دستیاران رئیس جمهور امریکا

۲. نقل از: Sorenson, Theodor. Kenedy, Newyork, Harper and Row, 1965.p628

۳. به نقل از جیمز. ا. بیل. شیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و امریکا. ترجمه فروزنده برلیان. تهران. نشر فاخته.

یکی از پیامدهای دکترین نیکسون همین سیاست تازه ی آمریکا در قبال مسئله فروش اسلحه به ایران بود. از آن پس آمریکا قبول کرد ایران بهتر از هر کشور دیگری می تواند ثبات و امنیت منطقه ی خلیج فارس را تضمین کند. لاجرم آمریکا کماکان به همکاری های لازم با ایران در زمینه های نظامی و دفاعی ادامه داد. آمریکا از آن پس پذیرفت که تصمیمات مربوط به چند و چون خرید اسلحه برای ارتش ایران را باید عمدتاً به عهده ی ایران وا گذاشت. به عبارت دیگر برای آن که شاه بتواند نقش ژاندارم منطقه را به انجام برساند به او اختیار تام داده شد تا تسلیحات مورد نیاز خود را بدون هیچگونه نگرانی از محدودیت های اجتماعی از سوی آمریکا به آمریکا سفارش دهد. (میلانی، ۱۳۸۷: ۳۰۷) خواندنیها در مورد عقد این قرارداد نوشت:

"مهمترین رویداد در این تاریخ عقد قرارداد جدید ایران و آمریکا که با سفیر کسینجر به امضاء رسید: این قرارداد که شامل همه ی مبادلات و خریدهای دوطرف میشود برای ۵ سال قریب ۵۰ تا ۵۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این مبلغ در مبادلات هیچ یک از کشورهای طرف معامله با ایران دیده نشده است. دو مورد در افزایش حجم مبادلات موثر بوده ، اول فروش نفت به آمریکا به مبلغ ۱۴ میلیارد دلار و دوم فروش اسلحه آمریکا به ایران بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار در حقیقت این دو رقم خود اساس مبادلات را تشکیل می دهند و ۲۶ میلیارد دلار بقیه سهم خود ارقام جالب و عظیمی است، حاکی از معاملاتی در حدود ۵ میلیارد دلار در سال است. در مورد اسلحه در سال بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار که به منظور تجهیز و تقویت قوای دفاعی ایران خریداری می شود. در مورد نفت ، آمریکا در سال آینده وارد کننده عمده نفت در جهان خواهد بود. چون منابع نفتی آن رو به کاهش است." (خواندنیها، س ۳۷، ش ۱، ۱۳۵۵/۷/۳، ص ۱۴)

این در حالی بود که کمک های نظامی آمریکا طی سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۳ بالغ بر ۵۳۵/۴ میلیون دلار بود که بالاترین رقم کمک های نظامی اعطاء شونده واشنگتن به یک کشور غیر نظامی در ناتو بود. (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۵۶)

آماری که فریدون هویدا در کتاب سقوط شاه بیان می کند قابل تأمل است : وی می نویسد ، در یک فاصله زمانی ۲۰ ساله (از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱ م) (۱۳۲۹ تا ۱۳۵۰ هـ ش) کل خرید تسلیحاتی ایران از آمریکا به یک میلیارد دلار هم نرسید. ولی بین سالهای

۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ هـ ش) یعنی فقط در عرض ۸ سال آخر سلطنت محمد رضا شاه میزان خرید سلاح از امریکا آنقدر سریع افزایش یافت که به رقم نجومی ۱۹ میلیارد دلار بالغ شد. ضمن آنکه تنها برای سال ۱۹۷۸ م. (۱۳۵۷ هـ ش) حدود ۶۵ درصد از کل هزینه کشور به امور تسلیحاتی، ذوب آهن، نیروگاه اتمی و صنایع پتروشیمی اختصاص یافته بود. (هویدا، ۱۳۶۵: ۹۸)

در ۳ دی ۱۳۳۹ (۲۴ دسامبر ۱۹۶۰) نامه ای از جعفر شریف امامی (نخست وزیر) به «سناتور سمینگتون» در دسترس است مبنی بر تشکر و نقش وی در زمینه های کمک های نظامی امریکا به ایران. شریف امامی با اشاره به اینکه کمک های نظامی امریکا ارتش ایران را که جزئی از قوای دفاعی دنیای غرب به شمار می آورد نیرومند و بی نیاز ساخته، ضمناً از وی جهت بازدید از ایران دعوت به عمل می آورد. (سند شماره ۳۳۳۶- پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر). «سوداگر» آمار دیگری مربوط به فروش اسلحه از امریکا ذکر می کند، مبنی بر اینکه میزان کل فروش اسلحه امریکایی به همه کشورهای خارجی در فاصله سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۸ بالغ بر ۵۴/۴ میلیارد دلار بود که بیش از ۳۶ درصد آن یعنی ۲۰/۴ میلیارد دلار به ایران فروخته شده بود.

همچنین در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۵۲ (۶ دسامبر ۱۹۷۳) قراردادی بین وزارت جنگ ایران و خدمات فنی میل بانک جهت فروش تانک و مهمات تانک، تانک اسکور بین ارتش ایران منعقد شده و علاوه بر آن مقرر گردید مبلغی به عنوان حق کمیسیون به حساب بانکی وی در لندن واریز شود. (سند شماره ۴۷۷۶۱- پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر)

زمانیکه هویدا برای سفری به امریکا رفت در گفتگویی که با جانسون (ریس جمهور امریکا) داشت. جالب ترین گفتگو به مسائل تسلیحات نظامی مربوط بود، و به بودجه ارتش ایران و امنیت آینده خلیج فارس مربوط می شد. جانسون به مسئله ای اشاره می کرد که از سالها پیش مورد اختلاف ایران و امریکا بود، وی می گفت: من همواره نگرانم که مبادا حجم بودجه نظامی ایران و گسترشش رشد اقتصادی مملکت را به خطر بیاندازد. آقای نخست وزیر نیز در جواب می گفت: در این زمینه مطمئن باشید که میان

این دو رابطه ای متعادل بر قرار است. (میلانی، ۱۳۸۷: ۳۰۳) «هنری پرشت»^۱ در مورد اطلاعاتی که پیش از ترک واشنگتن به قصد ایران دریافت کرده بود، می گوید: «به من گفته شد که ایران می تواند هر چیزی را که شاه بخواهد خریداری کند. در نتیجه مخالفتی درباره ی فروش اسلحه از جانب ما در آن جا ابراز نشد. تنها اقدام برای محدود کردن فروش سلاح، از جانب ملوین لرد، در وزارت دفاع به عمل آمد؛ وی می خواست تعداد مشاوران نظامی امریکایی را که می شد به ایران اعزام کرد، محدود کند اما وی پیش از این که بتواند عملاً این سیاست را تحقق بخشد، از کارش کناره گرفت.»^۲ (میلانی، ۱۳۸۷: ۴۹۳)

(سند شماره ۴۷۷۶۲ پ^۳ مرکز مطالعات تاریخ معاصر) مورخ ۱۱ دی ۱۳۵۲ (۱ ژانویه ۱۹۷۴) قرارداد شرکت هواپیما سازی بریتانیا (با امضای جی. آر. جفرسون) می باشد برای شاپور ریپورتر درباره استفاده از خدمات اطلاعاتی و مشورتی وی جهت انجام مذاکرات شرکت نامبرده با وزارت جنگ در مورد فروش سیستم دفاعی هوایی و موشکهای راپیر و تجهیزات اضافی آن به ایران به علاوه تخصیص ۴٪ از کل فروش مبلغ دریافتی به عنوان حق الزحمه.

با بیان وقایع بالا شاهدیم که بخش بسیار زیادی از این سلاح ها از امریکا خریداری می شد و اصولاً کار تجهیز و مسلح کردن ارتش شاهنشاهی بر عهده امریکاییها بود. می توان گفت از ابتدای سال ۱۳۵۰ ه. ش ایران مبدل به بزرگترین خریدار تجهیزات نظامی از امریکا شد.

همانطور که اشاره شد طوفانیان نقش بسزای در این خریدها داشت ، البته به ایشان افراد با نفوذ دیگری مانند: ژنرال منوچهر خسروداد، غلامعلی اویسی ، امیر حسین ربیعی و نعمت الله نسیری را نیز باید افزود. (تبرائیان، ۱۳۷۷: ۵۷) اما باید اشاره داشت شاه شخصاً در تصمیم گیری خرید های نظامی نظارت داشت.

۱ Henry Peresht، مدیر بخش ایران در وزارت امور خارجه امریکا سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ . مقام مأمور سیاسی و نظامی امریکا در ایران. وی در اوایل دهه هفتاد میلادی مسئولیت امور نظامی و فروش تسلیحات در سفارت امریکا در ایران را بر عهده داشت.

۲ به نقل از هنری پرشت مصاحبه با عباس میلانی

در خاطرات پرویز راجی^۱ از قول شه‌ریار شفیق می‌خوانیم: حبیب‌اللهی فرمانده فعلی نیروی دریایی، گرچه مرد خوبی است ولی اصلاً قدرت تصمیم‌گیری ندارد. او نمی‌داند که بسیاری از تجهیزات تحویل داده شده از سوی آمریکا به ما مثل (ناوشکنهای اسپورانس)^۲ اصلاً برایمان قابل استفاده نیست، و ضمناً هم توانایی ندارد مشکلاتی را که در مورد تربیت افسران نیروی دریایی در آمریکا به وجود آمده حل کند، زیرا بسیاری از این افسران پس از خاتمه دوره کارآموزی دیگر به ایران باز نمی‌گردند و همانجا در آمریکا به کار مشغول می‌شوند. به همین جهت است که قرار شده از این به بعد برای تربیت افسران نیروی دریایی ایران، بیشتر از کشورهای انگلیس استفاده شود. پس از شنیدن فرمایشات شه‌ریار شفیق، راجی با خود می‌اندیشد که او آیا این حرفها را با دایی خود هم می‌زند یا نه؟ (راجی، ۱۳۸۷: ۷۷)

ایران از انگلیسی‌ها نیز تجهیزات نظامی تهیه می‌کرد و خرید تسلیحات نظامی فقط منحصر به آمریکا نمی‌شد، بطوریکه (سند شماره ۴۸۰۵۵-پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر) نامه‌ای از جی.آر. جفرسون از وزارت دفاع انگلیس به شاپور ریپورتر است مبنی بر مذاکرات طوفانیان و خرید تسلیحاتی ایران از انگلیس، که در این نامه شرح موانع کار ذکر شده است.

از آن رو که رسانه همیشه نقش مهمی در اجرای سیاستهای حکومتگران در جهت تعدیل راهبردهای آنان بر عهده دارد، در آن زمان نیز رسانه‌ها به طور دائم و قائم به تفسیر این سیاستها پرداخته و آن را به نفع جامعه در حال توسعه ایران بیان می‌کردند. از جمله در مورد این حوادث خواندنیها نوشت:

"در مورد خریدهای نظامی ایران در عرض سالهای اخیر چند نکته مهم را همواره باید به خاطر داشت: ایران بر خلاف کشورهای پیشرفته صنعتی مجبور بوده است که تجهیز نیروهای مسلح خود را تقریباً از حالت ابتدایی شروع نماید و قسمت زیادی از هزینه‌های دفاعی چند سال گذشته خود را صرف گسترش زیربنایی نظامی مملکت از قبیل

۱. آخرین سفیر شاه در لندن

ساختن جاده‌ها فرودگاه‌ها بنادر و پایگاه‌ها آموزش افراد و غیره نماید. این فعالیت‌ها طبعاً با برنامه‌های توسعه اقتصادی ما رابطه مستقیم و مثبتی دارد. مردم سفارشات جنگ افزار را با آنچه عملاً تحویل شده است اشتباه میکنند. معمولاً از زمانی که اسلحه سفارش داده می‌شود تا تاریخ دریافت آنها مدت زمان زیادی که گاه بیش از چندین سال است طول می‌کشد. بنابر این ارقام مربوط به خریدهای تسلیحاتی ایران که سر و صدای زیادی در بعضی از مطبوعات غرب و شرق و بین برخی محافل سیاسی براه انداخته است طبعاً مبالغه آمیز است. تورم شدید قیمت تجهیزات نظامی تا حدود زیادی باعث افزایش هزینه‌های دفاعی ما شده است. مساله خرید ناوشکن‌های نوع «اسپروانس» مثال خوبی در این زمینه است. این ناوشکن ابتدا در سال ۱۹۷۴ طبق قراردادی که ایران با ایالت متحده امریکا امضاء نمود هر فروند ۱۲۰ میلیون دلار قیمت گذاری شده بود در سال ۱۹۷۵ قیمت هر فروند آن به ۲۳۸ میلیون دلار رسیده است. عدم اطمینان از رسیدن جنگ افزار لازم در موقع بروز مناقشه و نیز فرسایش سریع آنها در جنگ‌های جدید مستلزم آنست که هر کشوری مقدار زیادی تجهیزات نظامی انبار کند ضمناً در زمان بروز مناقشات این انبار تسلیحاتی می‌تواند تا حدود زیادی به کشور مصرف کننده آزادی عمل در برابر تولید کننده بدهد.» (خواندنیها، س ۳۷، ش ۱۴، ۱۳۵۵/۱۰/۴، ص ۱۲)

وضع ایران به گونه‌ای بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، امریکا با پول نفت ملت، به تجهیز ارتش ایران پرداخت. اما انگیزه‌های مسلح ساختن ایران و فروش سلاحهای امریکایی دلایل عمده‌ای داشت از جمله:

- ۱- حرص و آز و اشتیهای سیری ناپذیر شاه به برخورداری از ارتش مجهز و مدرن بود تا عاملی به منظور سرکوب شورشهای داخلی در مناطق گوناگون کشور باشد و در برابر تهاجم نظامی احتمالی از سوی شوروی ایستادگی کند.
- ۲- تضعیف کشور های مترقی عرب منطقه، به ویژه مصر که در این سالها توسط جمال عبدالناصر رهبری می‌شدو همچنین عراق.

۳- ایجاد و تقویت وابستگی اقتصادی که از رهگذر خرید فزونتر سلاح ممکن می نمود. چرخه مبادله نفت با اسلحه ، موجبات کنترل هر چه بیشتر اقتصاد و ارتش ایران توسط امریکاییها را موجب شد.

۴- حراست از تنگه هرمز به مثابه معبر صدور نفت منطقه به امریکا و اروپا که ضروری بود ایران شاهنشاهی با ارتش تا بن دندان مسلح از این آبراه استراتژیک محافظت نماید. خرید اسلحه توسط شاه ، این سیاست استعماری را فزونتر روشن می سازد. (تبرائیان، ۱۳۷۷: ۶۹ و ۷۰)

در خاتمه در راستای اهداف شاه در اجرای تجهیز منابع باید افزود ؛ جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و متعاقب آن تحریم نفتی اعراب در مورد کشور های هوادار اسرائیل ، موقعیت مناسبی به منظور فروش نفت بیشتر توسط ایران فراهم آورد. شاه با بهره وری از این فضای مناسب ، میزان فروش نفت را افزایش داد، در آستانه دهه پنجاه ، شاه به وضع موجود هم قانع نبود و بر مبنای نقش دیگری که به وی محول کرده بودند مایل بود مسئولیت بیشتری در دفاع از امنیت منطقه به عهده گیرد. از این رو بود که خرید سلاح به صورت کلان در سر لوحه برنامه های شاهانه قرار گرفت. (همان) چنانچه در اکتبر ۱۹۷۳ م (مهر ۱۳۵۲ هـ ش) بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل کشورهای نفت خیز عربی ، صدور نفت خود را به امریکا و اروپا تحریم کردند . کمبود نفت به گونه ای چشمگیر محسوس شد. شاه با استفاده از تحریم نفتی اعراب ، نفت ایران را با تولید بیشتر به چند برابر قیمت فروخت. بودجه نظامی به شدت افزایش یافت . حالا دیگر شاه به لطف دلارهای فراوان ناشی از فروش نفت قادر بود هر سلاحی را خریداری کند رفت و آمد نمایندگان کمپانیها نیز به گونه ای گسترده افزایش یافته بود اما محمد رضا پهلوی مرتکب یک اشتباه بزرگ نیز شده بود. و آن برآورد نادرست نتایج جهش ناگهانی بهای نفت در سال ۱۹۷۳ م بود که منجر به پایین آمدن مصرف سوخت و نیز رکود اقتصادی جهان غرب گردید. (همان، ۷۳)

ایران با توجه به موقعیت استراتژیکی که در منطقه داشت می توانست از موقعیت های بیشتری استفاده کند که نکرد؛ «سرآنتونی پارسونز»^۱ در خاطرات خود از ایران اینگونه یاد می کند:

"ایران برای ما یک منبع مهم نفت خام و یک متحد با ارزش استراتژیک در این بخش آشفته و متلاطم بوده است و علاوه برآن یک بازار در حال گسترش سریع برای صادرات انگلستان، اعم از وسایل و تجهیزات نظامی یا کالاهای ساخته شده." (پارسونز، ۱۳۶۳: ۱۷) ارتش ایران با پول نفت ایجاد شد و طی پنجاه سال با همان منبع توسعه یافت ، اما دیری نپایید که امواج انقلاب همین نفتی را که مایه حرکت اقتصاد و ارتش بود و به آن وسیله دوام و بقاء نظام را حفاظت می نمود در بر گرفته بود، اما اقتصاد نفتی ناکارآمد این رژیم در وقوع انقلابی به آن بزرگی بی تأثیر هم نبود.

این در حالیست که یکی از محققین علوم سیاسی^۲ پس از مطالعه تطبیقی چهارده شورش انقلابی قرن بیستم چنین استدلال کرده که وجه ممیزه اساس انقلابات موفق و ناموفق را باید در میزان انجام وفاداری نیروهای سرکوب رژیم جستجو کرد... به روی هم عدم وفاداری ارتش نسبت به رژیم شرط لازم موفقیت شورش انقلابی است. (بشیریه، ۱۳۷۲: ۱۲۰ و ۱۲۱)

نتیجه گیری

درپی تجهیز ارتش ایران قدرت های بزرگ دنیا به چشم یک قدرت بزرگ منطقه ای به ایران می نگریستند، قدرتی که خود شاه نیز از آن راضی بود و وی هدف اصلی در تجهیز این همه ساز و برگ نظامی را حفظ امنیت می دانست همچنین می پنداشت که سلطنت زیر سایه قوای نظامی بدین حد مقتدر می تواند، علاوه بر توسعه قدرت فرمانروایی در منطقه و افزایش اعتبار شاه منجر به تثبیت اقتدار داخلی و ادامه دادن سیاستهای اجتماعی و اقتصادی ریز و درشت پنهان در لایه های مخفی ذهنش بپردازد.

۱ سفیر انگلیس در ایران در سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹

۲ برتراند راسل ، (Bertrand Arthur William Russell)، زاده ۱۸ مه ۱۸۷۲ — درگذشته ۲ فوریه ۱۹۷۰)، فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان، مورخ، جامعه شناس و فعال صلح‌طلب بریتانیایی بود که در قرن بیستم می‌زیست.

هر چند که پنجمین قدرت نظامی دنیا شدن نیز احتیاج به پایه های مستحکم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشت که ایران از داشتن آن هنوز بی بهره بود و شاید تا سالهای بعد هم از بدست آوردن آن محروم می ماند.

در این متن شاهد بودیم که حاکمیت ایران در تلاش بسیار بود، تا با افزایش درآمد کشورش از راه فروش نفت، سیستم دفاعی ایران را تا حد امکان تقویت نماید. ایشان مبالغی را که می توانستند در راه توسعه اقتصادی ایران و ایجاد و توسعه زیر ساختهای راهبردی این سرزمین صرف نمایند در راه تقویت ارتش خرج کردند، با این توضیح که اگر سیستم دفاعی مملکت قوی باشد دست درازی بیگانگان نیز به ایران کوتاه خواهد شد. همینکه قدرت های جهانی بشنوند ایران مجهز به ارتش قوی است، جرأت دست اندازی به کشوری با ثروت های کلان را به خود نخواهند داد. شاه این توجیه را برای اعمال خود می آورد، غافل از آنکه این ارتش قوی حتی در بلواها و آشوب های داخلی نیز نتوانست وی را برهاند و کمکی برای بقاء و دوام سلطنت او باشد. این ارتش قوی با تمام قوا و نیروی خود نتوانست به بسط و حفظ این دولت کمک کند و در انتها شاید متکی بودن به همین ارتش بود که توان و قدرت فکر را از سران دولت گرفت، چرا که ایشان به پشتوانه همین قوا بود که به خود غرّه شده و نتوانستند چالش های پیش روی خود را درست سیاستگذاری کنند. شاید بسیاری بر این اعتقاد باشند که خرید این مقدار تجهیزات در آن زمان توسعه اقتصادی را در ایران به تأخیر می انداخت، ما نیز با ایشان موافقیم ولی چه کسی از آینده خبر داشت... آینده ای که برای همه مبهم بود. کسی نمی دانست که این همه تجهیزات نظامی قرار بود اندکی بعد ایران را از خطر نابودی در پس هجوم دشمنی بی رحم نجات دهد.

افزایش درآمدهای ناشی از صادرات نفت و بی برنامهگی در خصوص نحوه تخصیص اعتبارات موجب گردید که مابه التفاوت این درآمدها به طور فزاینده و بی برنامه ای در بودجه دفاعی کشور سرازیر شود. تقویت افراط گونه قوای نظامی موجب شد ایران به عنوان کشوری قدرتمند با توان نظامی پولادین و تجهیزات بسیار پیشرفته در منطقه و حتی در جهان مطرح شود. از این رو می توان گفت که افزایش درآمدهای نفتی که می

توانست در پیشرفت کشور و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد به سمتی ناکارآمد و افراطی هدایت گردید و تا سالیان هرگز به کار این مُلک نیامد.

منابع:

- آبراهامیان، یراوند، **ایران بین دو انقلاب**، ۱۳۸۹، چاپ هفدهم، تهران، نشر نی
- ازغندی، علی رضا، **تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران با تکیه بر کنش های ارتباطی**، ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق
- بشیریه، حسین، **انقلاب و بسیج سیاسی**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران
- بنی صدر، ابوالحسن، **نفت و سلطه یا نقش نفت در توسعه سرمایه داری در پهنه جهان**، ۱۳۵۶، چاپ اول، تهران، انتشارات مصدق
- بهنود، مسعود، **از سید ضیاء تا بختیار (دولت های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷)**، ۱۳۷۴، چاپ ششم، تهران، انتشارات جویندان
- پارسونز، آنتونی، **غرور و سقوط**، مترجم: منوچهر راستین، ۱۳۶۳، انتشارات هفته، چاپ اول، تهران
- تبرائیان، صفاءالدین، **سراب یک ژنرال (بازشناسی نقش ارتشبد طوفانیان)**، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷، چاپ اول، تهران
- حشمت زاده، محمد باقر، **ایران و نفت**، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- خواندنیها، س ۳۳، ش ۷۷، ۱۳۵۲/۳/۲۶ / خواندنیها، س ۳۵، ش ۲۶، ۵۳/۹/۲۳ / خواندنیها، س ۳۷، ش ۱۴، ۱۳۵۵/۱۰/۴ /
- راجی، پرویز، **خدمت گزار تخت طاووس (خاطرات پرویز راجی)**، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷، چاپ دوازدهم، تهران
- روحانی، حسن، **امنیت ملی و نظام اقتصادی در ایران**، ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک

سازمان برنامه و بودجه، لایحه بودجه سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷

سند شماره ۳۳۳۶- پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر

سند شماره ۴۷۷۶۱- پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر

سند شماره ۴۷۷۶۲ ° پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر

سند شماره ۴۸۰۵۵- پ مرکز مطالعات تاریخ معاصر

سوداگر ، محمد رضا ، رشد روابط سرمایه داری در ایران ، ۱۳۶۹ ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات شعله اندیشه

عالیخانی ، علینقی ، یادداشت های علم ، ج ۱ ، انتشارات معین ، ۱۳۹۱ ، چاپ یازدهم ، تهران

علی بابائی ، غلامرضا ، تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی) ، انتشارات آشیان ، ۱۳۸۲ ، تهران ، چاپ اول

کارشناس ، مسعود ، نفت دولت و صنعتی شدن ، ۱۳۸۲ ، مترجم علی اصغر سیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب ، چاپ اول ، تهران ، گام نو

گراهام ، رابرت ، ایران سراب قدرت ، ۱۳۵۸ ، مترجم فیروز فیروز نیا ، چاپ اول ، تهران ، سحاب کتاب

میلانی ، عباس ، معمای هویدا ، ۱۳۸۷ ، چاپ نوزدهم ، تهران ، نشر اختران

هالیدی ، فرد ، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران ، ۱۳۵۸ ، ترجمه فضل اله نیک آیین ، چاپ اول ، تهران ، امیرکبیر

هوشنگ مهدوی ، عبدالرضا ، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ، نشر پیکان ، ۱۳۸۶ ، چاپ هفتم ، تهران

هویدا ، فریدون ، سقوط شاه ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۶۵ ، چاپ اول ، تهران

Fereydon fesharaki ĩn's Petrodollars: Surplus or Deficit?, *Iran: Past, Present and Future*, J. Jacqs (ed.), Aspen Institute for Humanistic Studies, New York, 1976.